

فرهنگ

یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۴۲ شماره ۳۸۴

۱۲

ادامه از صفحه ۱۲

سریال **ا**کتور**،** هم خوش ساخت بود هم حرف جدی داشت و باز هم یک حرف تکراری؛ چرا صد او سیما چنین سریال‌هایی ندارد؟

بازیگران مشغول کارند



میلاد زاده

خیرنگار گروه فرهنگ



از همان سالکس افتتاحیه سریال منوجه می‌شویم که با یک روایت خاصی طرف هستیم. چند جوان در یک جاده دورافتاده با دو خودرو توقف کرده‌اند و درحالی که یکی شان مشغول کردن لاستیک ماشین عقبی است و بقیه می‌روهند، پسری که در ماشین جلویی نشسته به دوستانش زنگ می‌زند و می‌گوید این جاده پر از خفت‌گیر است اینجا نمائید، زود باشید… بعد دو نفر با موتورسیکلت کنار آنها می‌آیند و با قه زودگیری می‌کنند. این دو نفر علی همتی و دوستش مرتضی هستند که به ترتیب نوبت‌محمدزاده و احمدمهرانفر نقش‌شان را بازی می‌کنند. این ایک با یک خفت‌گیر واقعی نبود. علی و مرتضی بازیگر هستند و به سفارش همان کسی که بقیه را از خفت‌گیری می‌ترساند، آمده‌اند تا دوستان او را غافلگیر کنند. او این غافلگیری

را می‌شود در مورد شخصیت‌های دیگر هم دید. این باعث شده حتی جاهایی که روایت در مورد خیلیی مسائل روزمره است، پرداخت آن عجیب و گاهی شوکاراو باشد. با داستانی طریفم که بیرنگان آن بلوغ است. او داده به نام‌های علی و مرتضی در مواجهه باشرایلی که نسبتا یکسان است دچار تحول شخصیتی می‌شوند یکی به فقر می‌رود و دیگری قرار است به ساحتی نریم و آسانی تر از آنچه در گذشته بود برسد. بلوغ این دو نفر از رهگذر برخورد با دو مقوله جدید اتفاق می‌افتد؛ پول و زن. با یک اثر فرمالیستی مواجه هستیم که هنگام طراحی آن بین داستان و بیرنگ تفکیک قابل شادند. پورسین توماچسکی در این باره بحث مفصلی دارد. او معتقد است داستان یک‌درک کلی است. یعنی نظریه که لو روایت‌است؛ چه اموری می‌آیند و چه نشانی‌ها می‌زنند و می‌گویند این قسمت از داستان است

که گفته شده چه نشده‌اند. اما بیرنگان آن قسمت از داستان است و بازی می‌کنند. این ایک با یک خفت‌گیر واقعی نبود. علی و مرتضی بازیگر هستند و به سفارش همان کسی که بقیه را از خفت‌گیری می‌ترساند، آمده‌اند تا دوستان او را غافلگیر کنند. او این غافلگیری را به هم ربط دهد. اینجا هم وقتی علی با دختری به نام نازی روی پشت‌بادرفته و حرف می‌زند، راجع به گذشته‌اش می‌گوید عشقش که نافرجام بود. ما کنشکمش مرتضی با سارا را می‌بینیم که تقریبا سرنوشته مشابه علی را با همان ماجرای دختری که نام دره‌شد، داشت. اما ماجرای عشق نافرجام علی هم که دیده نمی‌شود و می‌باز نیست، جزء است. داستان یعنی دو مرد جوان داریم که هر دو از بی‌وفایی صدمه خورده‌اند. یکی به این نتیجه می‌رسد که باید پولدار باشد تا بتواند در به چنگ آوردن زن‌ها موفق شود. او به این فکر نمی‌کند که اگر دختری تو را به خاطر پول گذاشت رفت، همان بهتر که رفت، چون آدمی این ارزشی نبود. این را آلمانه مرتضی می‌گوید اما مرتضی انگار اصلا نمی‌فهمد. یعنی مرتضی حتی با اینکه بی‌وفایی می‌بیند، می‌خواهد موجود یا مقهوری به نام زن را تصاحب کند. آن هم با ابزار قدرتی که پول به او می‌دهد. علی اما

با اینکه همین سرگشت‌زاد است، این‌طور به ماجرا نگاه نمی‌کند. او در طول روایتی که ما می‌بینیم، بار دیگر با ما چون با مقهوری به نام زن برخورد می‌کند اما تقاضی برایش می‌کند که اصلا شریین نیست. این تلخ کامی مجدد می‌تواند نگاه مردی را نسبت به زن‌ها به‌طور کلی تغییر دهد چنانکه صدیان هم به خاطر می‌وفایی‌هایی که پیش از این دیده و جدایی از سریال در باره‌اش صحبت می‌کند. نگاه مثبتی به زن‌ها ندارد و دنبال سواستفاده است. با این حال شخصیت علی به نوع دیگری از بلوغ می‌رسد که با مرتضی متفاوت است. برخورد این دو نفر با مقوله پول هم دو شکل متفاوت دارد. آنها ابتدا برای یک هدف مشترک و به شیوه‌ای مشترک کار می‌کنند و پول درمی‌آورند. برآی کردن نمایش اکتور هدف آنهاست و برای جور کردن پول آن هم کاری نمی‌کنند جز همان بازیگری. در ادامه اما نگاه آنها به این مقوله دو مسیر کاملاً جداگانه را طی می‌کند. پسول برای مرتضی هدف می‌شود و برای علی وسیله کمابیش می‌شود گفت آدم‌های دیگر

یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۴۲ شماره ۳۸۴

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

یادداشت

روایت خلاقانه زندگی با بازی



عاقله جعفری

خیرنگار گروه فرهنگ

«اکتور» درباره دو بازیگر خرده‌پای تئاتر است. دو بازیگری که هنوز کارشان خیلی نگرفته است و با نقش بازی کردن در مراسم‌ها یا اجراهای کوچک، پسول زندگی و زندگی روزگار می‌گذرانند. آنها در نقش افراد گوناگونی فرو می‌روند و وارد موقعیت‌هایی از زندگی دیگران می‌شوند و آن را تبدیل به یک صحنه خاطر انگیز می‌کنند. گاهی سوزپوری می‌کنند، گاهی بازی زندگی دیگران می‌شوند، اما مهم این است که کارشان را به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهند و در کارشان حرف ندارند. نوبت محمدزاده و احمد مهرانفر ایفاگر نقش این دو بازیگر تئاتر هستند. اکتور نسبت به سریال‌هایی که در حال حاضر پیش می‌شود، یک سرگروگان بالاتر استاده است و دلیل اصلی این را باید در نیما جاویدی به‌عنوان نویسنده و کارگردان ببینیم.

نیما جاویدی، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان سینمای ایرانی که بیشتر با همان فیلم‌نامه‌نویسی شناخته شده می‌شد، فعالیت‌های سینمایی‌اش را از سال ۱۳۷۴ با ساخت فیلم‌های کوتاه و مستند شروع کرد. نخستین فیلم سینمایی نیما جاویدی یا «ملبورن» رقم خورد، فیلمی که با شناسختن الان از جاویدی می‌توان گفت با جهان و دنیای فیلمسازی‌اش که الان از او می‌بینیم فاصله دارد، اما برای ساخت ملبورن موفق به کسب جوایز جهانی هم شد، اما اثر مهم او را باید «درخ‌پوست» دانست فیلمی که پس از ۵ سال گذشت از ساخت ملبورن، باعث شد تا همه متوجه این همه سال خنجر در ساخت فیلم سینمایی دوم جاویدی شوند. او در سرخ‌پوست در درجه اول همه‌اش ارسام و جذاب تعریف می‌کند و کاری می‌کند که مخاطب تا انتهای داستان با او بماند. علاوه بر تعریف کردن یک داستان جذاب، الگوی تازهای را به سینما هم معرفی می‌کند. حالا همان نیما جاویدی اولین سریال‌ش را در شبکه نمایش خانگی ساخته است، سریالی که مانند سرخ‌پوست سر و شکلش مشخص است، مخاطب را خنج نمی‌کند. یک نکته مهم در کارهای جاویدی را باید فیلم‌نامه دانست، و وقتی فیلم‌نامه خوب و منسجم و کار باشد آن وقت از کارگردان و بازیگر گرفته تا طراح دکور و لباس، همه به‌ویونی نقش‌شان را در تک کرده و هر کدام چیزی به جهان سریال و فیلم اضافه می‌کنند. در اکتور مشخص است که کارگردا چه چیزی می‌خواهد. او جهان داستانش را می‌سازد و با شناخت خوبی از آن به مهم‌بها، دار در مورد مخاطب شناسی سریال‌ش می‌گوید: «وقتی که می‌خواستم اکتور را بسازم تعریف از مخاطب مشخص بود و صرفا همین مخاطب پلتفرم داخلی منظره نبود، اگر نگاه ما به مخاطب این بود اتفاقا کار ساده تر می‌شد. از همان ابتدا به طیف متنوع تری از مخاطب فکر می‌کردم. واقعیت این است که برخی الگوهای جواب‌پس داده برای مصارف محدود و مشخص همیشه کاری می‌کند، اما گاهایی همست آن رونقم. می‌توان بر مبنای همین الگوها یا کلیشه‌ها کار کرد و یک بینیم گارانتی را هم حفظ کرد، اما حداقل تا این لحظه این چیزی نبوده که در دنیای فیلمسازی دنبال آن باشم و واقعیت این است که راهی‌ام نمی‌کند. شاید در این مدلی که کار می‌کنم سختی بیشتری هم بکشم، ولی نتیجه این مسیر است. در سرخ‌پوست به‌بنوعی همین کار را کردم. اتفاقا معتقدم اکثر طریف مخاطب زیادی دارد که هر دلیلی خود مشترک پذیرفته شده‌اند. واقعیت این است که به این فکر نمی‌کردم که چه‌طور مخاطبی را که کمی مشتاق تماشاای روایت متفاوت‌تری از عرف رایج‌هاست، بتوانیم با قصه همراه کنیم. ضمن اینکه کسی می‌کردم انواع مخاطبان یا هر گونه خرده‌عادت‌های تماشا هم به‌تدریج می‌توانند با جهان داستانی سریال آمیخته و نویسه روایت آن همراه شوند.»

برگ‌زننده اکتور به‌جز فیلم‌نامه، بازی بازیگرانش هم است، حتی بازیگرها در همان پارادایم بازیگران اصلی بازی می‌کنند و داستان هیچ تفاوتی بین مخاطبان دو نفر را باید برگ‌زننده‌های سریال اکتور تئاتر اکتور انگار درحال بازیگری زندگی است؛ زندگی آدم‌های مختلف در صحنه تئاتر، شیوه‌های که جاویدی برای سریال‌ش انتخاب کرده است و حتی شروع

آن هم با نقلی قابل او ویلیام شکسپیر است. جمله‌ای که بیان‌گر این مطلب است که همان‌ها با بازیگرند و در زندگی خود لاجرم نقش‌های بسیاری را بازی می‌کنند. همین بازی کردن روایت اصلی جاویدی می‌شود و به گفته خودش برایش جذابیت داشته است که تعدادی بازیگر با توانایی بازیگری‌شان به دیگران کمک کنند و حتی موقع غیر کردن در مهلکه‌ای این توانایی به یادشان برسد و نجات‌شان دهد.

اکتور را نباید خلاقانه دانست، سریالی که نیما جاویدی به‌تلاش‌ش را برای ساخت آن در همه قسمت‌ها کرده است و به قول معروف اصمای او پای همه قسمت‌های اکتور حتی در دیگر از این سریال بازی کرده‌اند. جزئی‌ترین سکانس‌های سریال هم دیده می‌شود، او با یک لیده خلاقانه جریان زندگی دو بازیگر را برای مخاطب روایت می‌کند.



کیانا تصدق‌محمد

خیرنگار گروه فرهنگ

یکی از سریال‌های شبکه نمایش خانگی که به‌تازگی آخرین قسمت آن منتشر شد «اکتور» است. سریالی که نیما جاویدی کارگردان و مجید مظلمی تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشتند. اکتور، داستان زندگی چند بازیگر تئاتر را به نمایش گذاشته که در روزمره‌شان با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو هستند. نکته‌ای که درباره این سریال وجود دارد روایت تقطیع‌شده آن است؛ یعنی کارگردان در هر قسمت یک موضوع جدید را پیش‌روی مخاطب می‌گذارد. اکتور، تونایی از سریال و تئاتر است و درلایح هم علاقه کارگردان آن را به موقعیت‌های نمایشی‌اش. نیما جاویدی در این باره گفته است که «موقعیت نمایشی بیشتر از وضعیت رئالیستی علاقه دارد، اما در این سریال سعی کرده‌ایم دورا را یک‌دیگر تلفیق‌کنیم. در سریال هم می‌خواهیم یکسری سکانس‌های با یکدیگر مرتبط باشند، یکی از نمونه‌های اینس گرم‌ها مربوط جمله‌ای از شکسپیر نوشته شده که «دنیا صحنه نمایشی نیست، تئاتر»

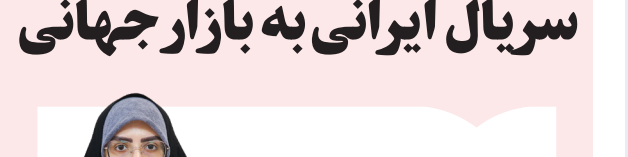
گرم‌های سنگین در اکتور

یکی از موارد جذاب سریال اکتور که اتفاقا خیلی مورد توجه قرار گرفت، گرم‌های با یک اسکندری است. یکی از نمونه‌های اینس گرم‌ها مربوط

فرهنگ

یادداشت

اکتور؛ دریچه ورود سریال ایرانی به بازار جهانی



فاطمه‌سادات یکنی

خیرنگار گروه فرهنگ

نیما جاویدی بعد از تجربه موفق ساخت دو فیلم سینمایی که هر دو هم توجیه منتقدان را به خود جلب کرده بود این بار سراغ سریال‌سازی برای نمایش خانگی رفته است. اکتور سریالی ۲۰ قسمتی با محوریت زندگی پر پیچ و خم دو بازیگر تئاتر است که از هنر بازیگری خود در زندگی واقعی برای کسب درآمد استفاده می‌کنند.

اثر جدید نیما جاویدی طرف حدود ۵ ماه، بدون حاشیه و سسر و صدای خاصی روند انتشار خود را طی کرده بود اما جالب است که هم‌زمان با انتشار قسمت آخر در فضای مجازی مورد توجه کاربران قرار گرفت. آواخ نشان داد، توانسته مخاطبان علاقه‌مند زیادی را در مدت با خود همراه کند که حالا از پایان سریال ناراحت هستند، مخصوصا که شایعاتی مبنی بر حذف حلقه ۴ اپیزود از این سریال هم در فضای مجازی منتشر شده و این مخاطبان را گلهمند کرده است.

در میان واکنش‌هایی که بعد از قسمت آخر به اکتور نشان داده شد، با کاربرانی مواجه شدیم که وقتی تماجدها از سریال در در فضای مجازی دیده‌اند سراغ سریال رفته‌اند و تمام ۲۰ قسمت آن را طرف یک شبانه روز تماشا کرده‌اند. به‌طور کلی تلیفات شهری و اینترنتی است نسبت سایر سریال‌های نمایش خانگی گریه‌ها شده، لباس گرم چه در اکتور کارکردن در انجام گفت‌وگوی رسانه‌ای کم کار بوده، گویا جاویدی رویه شخصیت علی همتی در کم‌گویی و گزیده‌گویی را حتی به الگوی تبلیغاتی سریال‌ش هم تشریح داده است اما استقبال مخاطب نشان می‌دهد نتنها نتیجه کار جاویدی موفق بوده بلکه حتی ادامه سریال در قالب فصل‌های بعدی هم همچنان می‌تواند برای سازندگان توجیه اقتصادی داشته‌باشد. اکتور در جنس قصه‌گویی، سوزو و حتی رنگ و لعاب تصویر با الگوی ذهنی‌ای که مخاطب ایرانی از یک سریال تولید داخل دارد عادت متفاوت است. این وجه تمایز چه در طراحی صحنه، لباس گرم چه در نوع روایت اپیزودیک قصه‌گویی از جنس فضای تئاتر است. به عبارت دقیق‌تر کارگردان اکتور تلاش کرده تا این سریال در جزئیات و کلیات به یک صحنه تئاتر شبیه‌باشد، نکته قابل توجه این است که همین وجه تمایز می‌توانست از نظر مخاطب ایرانی که عمدتا با این غرب‌است تبدیل به یک تک‌ضعف بزرگ‌بازی سریال شود اما نتیجه کار نشان داد این وجه تمایز کارلادر خدمت قصه درآمده و توانسته به هر دو بخش بیشتر آن کمک کند.

جاویدی به‌جز حساسیت‌های که روی تئاتری کردن سریال‌ش داشته، کار ارزشمند دیگری هم انجام داده که مسیر جدیدی را به روی صنعت سریال‌سازی ایران باز کرد. کاملا قابل لمس است که کارگردان اکتور در این سریال به مخاطب خارجی هم فکر کرده و جزئیات قصه در هر اپیزود را چوری طراحی کرده است که بتواند توجه مخاطب غیرایرانی را هم به خود جلب کند. اهمیت به موضوعات مهمی که برای مخاطب جهانی مهم است یکی از مهم‌ترین وجوه این تلاش نیما جاویدی است. طرح دفعه‌های مهاجران غیر قانونی، چالش‌های مردم افغانستان بعد از طالبان و تضعیف حقوق اولیه آنها، توجه به مسائل نژادپرستانه و مشکلات رنگین‌پوست‌ها، اعتقاد مصروف‌مشربان الکلی و تک‌ریم سالمندان از جمله سوزوهای مهمی است که برای جامعه جهانی مهم و کاملا قابل لمس است.

رعایت استانداردهای قصه‌گویی، تصویر در کنار توجه به سوزوهای با‌معرف جهانی نه‌تنها باعث شد اکتور بتواند توجه منتقد خارجی را به خود جلب کند بلکه در جشنواره سرزمین‌های فرانسه هم جایزه بهترین سریال اصلی را از آن خود کند. این اولین بار بود که یک سریال ایرانی در رقابت با آثاری از شبکه‌های ابل نی یو بیلاس، آرته، هولو، پارامونت و پرلیم ویدئو می‌تواند جایزه اصلی را به خود اختصاص دهد.

اکتور مسیر دو سریال ایرانی به‌بازار به مخاطب جهانی را باز کرد و احتمالا دفعه‌خفورد در این بازار برای سایر فیلم‌سازان هم ایجاد کرده‌است. ورود این بازار از جهات مختلف برای سینمای ایران کاملا ارزشمند است. ترکیه طی سال‌های اخیر از طریق همین صنعت توانسته منبع درآمد مستقیم و غیر مستقیم جدیدی برای خود ایجاد کند که عدد نهایی آن بسیار قابل توجه است. توجه جهانی به زبان ترکی، جذب توریست و ورود هنرمندان ترک به لیست هنرمندان مورد توجه ترکی، از جمله آثار و نتایج ورود ترکیه به بازار جهانی سریال‌سازی است که تجربه اکتور نشان می‌دهد این موارد می‌تواند برای ایران هم رقم بخورد.

چالش ساترا با تهیه‌کننده اکتور

یکی از حواشی‌ای که از زمان آغاز پیش این سریال به‌وجود آمد، مربوط به پایانه‌ای است که ساترا منتشر کرد. در این پایانه ادعا شده بود که این سریال هنوز برای مجوز اقدام نکرده‌است. البته تهیه‌کننده هم توضیحاتی در این باره داد. که بعد از سه ماه از ارسال سریال برای ارائه نظر ساترا، هنوز هیچ پاسخی دریافت نکرده‌ایم. این موضوع تا آخر شروع چالش بین ساترا و عوامل اکتور بود. مه‌دین تسدقی، مدیرکل نظارت و تطبیق ساترا در همان زمان و در گفت‌وگو با بستنیم درباره این چالش‌ها گفته بود: «به‌دلیل اینکه طرح اولیه بررسی شده اکتور در شرایط صدور مجوز ساترا اظهارنامه‌ای داشت، درخواست ارائه طرح تفصیلی یا فیلمنامه اثر را مطرح کردیم. اما در ادامه کارگردان تهیه‌کننده سریال اعلام کردند به‌دلیل سوء قصد و نحوه پرداخت هنری، تمایلی به ارسال فیلمنامه به ساترا ندارند و با وجود چطور مخاطبی به ساترا تعلق پیدا کرده بود، ساترا مساعدت و کارسازی لازم برای حمایت از تولید این سریال اعلام داد.»

براساس پیگیری‌های ساترا، در روابط‌عمومی فیلم‌مو داشتیم، این سریال با دریافت مجوز از ساترا منتشر شده است.

^[1]
^[2]